

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

الْحَاقَّةُ (1)

الحاقه (چیزی حتماً واقع شدنی، قیامت!) (1)

مَا الْحَاقَّةُ (2)

چیست الحاقه؟ (2)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (3)

و چه دانستی تو چیست الحاقه؟ (3)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَ عَادُ بِالْقَارِعَةِ (4)

به دروغ نسبت کرد ثمود و عاد به القارعه (یکی دیگر از نام های قیامت که مصیبت کوبنده است). (4)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (5)

پس اما ثمود پس هلاک کرده شدند به الطاغیه (نعره تند و شدید). (5)

وَأَمَّا عَادُ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (6)

و اما عاد پس هلاک کرده شدند به باد سرد، تند وزنده، هولناک، سرکش و ویران کن. (6)

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أُعِجَزُوا نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (7)

مسلط کرد خدا آن (ریح) را بر ایشان هفت شب و هشت روز پی در پی، پس می بینی قوم (عاد) را در آن (شب ها و روز ها) روی زمین افتاده مانند آنکه ایشان تنه های درختان خرما میانی خالی اند. (7)

فَهَلْ تَرَىٰ لَهُمْ مِّنْ بَاقِيَةٍ (8)

پس آیا می بینی برای ایشان از اثری؟ (8)

وَ جَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ (9)

و آمد فرعون و آنان پیش او و (اهل های) شهر های زیر و رو شده با گناهان. (9)

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً رَّابِيَةً (10)

پس نافرمانی کردند پیغمبر پروردگار ایشان را پس گرفت ایشان را خدا گرفتن فوق العاده سخت. (10)

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (11)

هر آینه ما چون طغیان کرد آب سوار کردیم شما را در کشتی روان. (11)

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَ تَعِيَهَا أُنْثَىٰ وَاعِيَةٌ (12)

تا بسازیم ما آن را برای شما پندی و یاد دارد آن را گوش های یاد دارنده. (12)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ (13)

پس وقتیکه دمیده شد در صور دمیدنی یگانه ئی. (13)

وَ حُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (14)

و برداشته شد زمین و کوه ها پس کوبیده شدند هر دو کوبیدنی یگانه ئی. (14)

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (15)

پس آن روز واقع شد الواقعة (نام دیگر قیامت). (15)

وَ انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (16)

و شکافت آسمان پس آن، آن روز سُست و ضعیف باشد. (16)

وَ الْمَلِكُ عَلَىٰ سِدْرٍ جَانِبِهَا وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَةٌ (17)

و فرشته گان بر کناره های آن. و بر می دارند تخت پروردگار تو را بالای شان آن روز هشت (فرشته). (17)

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ (18)

آن روز پیش آورده می شوید نمی شود پنهان از شما سِری. (18)

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَفْرَعُوا كِتَابِيَهُ (19)

پس اما کسی که داده شد نامه اعمال او به دست راست او پس می گوید: اینجا بخوانید نامه اعمال مرا. (19)

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهُ (20)

هر آئینه من گمان کردم که هر آئینه من ملاقات کننده هستم حساب خود را. (20)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (21)

پس او است در زنده گانی رضایت بخشی. (21)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (22)

در بهشتی بلند شده. (22)

فَطُوفُهَا دَانِيَةٌ (23)

خوشه های میوه های آن آویزان نزدیک (آسان به دسترسی). (23)

كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ (24)

بخورید و بنوشید گوارا به سبب آنچه پیش فرستادید شما در روز های گذشته. (24)

وَ أَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهُ (25)

و اما کسی که داده شد نامه اعمال او به دست چپ او پس می گوید: ای کاش مرا نمی شد داده نامه اعمال من. (25)

وَ لَمْ أَدْر مَا حِسَابِيَهُ (26)

و نمی دانستم چیست حساب من. (26)

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ (27)

ای کاش آن بودی آخر کننده کار. (27)

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ (28)

نکرد دفع از من دارائی من. (28)

هَلَّاكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ (29)

رفت از من قدرت من. (29)

خُدُوهُ فَعَلُوهُ (30)

بگیرید او را پس ببندید دست و پای او را. (30)

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ (31)

باز در دوزخ بیندازید او را. (31)

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (32)

باز در زنجیری که درازی آن هفتاد گز باشد پس درآرید او را. (32)

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (33)

هرآئینه او بود نمی آورد ایمان به خدای نهایت بزرگ. (33)

وَلَا يَحْضُرُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (34)

و نمی داد رغبت بر غذا دادن بینوا. (34)

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (35)

پس نیست برای او امروز اینجا هیچ دوست صمیمی نی. (35)

وَلَا طَعَامٍ إِلَّا مِنْ غَسْلِينِ (36)

و نه غذائی مگر از زردآب. (36)

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (37)

نمی خورد آن را مگر خطا کاران. (37)

فَلَا أَفْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ (38)

پس نی، قسم می خورم به آنچه که می بینید. (38)

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (39)

و آنچه که نمی بینید. (39)

إِنَّهُ لَقَوْلِ رَسُولٍ كَرِيمٍ (40)

هرآئینه آن است البته سخن فرستاده ئی گرامی قدری. (40)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ (41)

و نیست آن گفتار شاعر. اندک است آنچه ایمان می آورید. (41)

و لَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (42)

و نیست گفتار کاهنی (آینده گوینده). اندک است آنچه پند می گیرید. (42)

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (43)

فرو فرستادن از جانب پروردگار جهان ها. (43)

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (44)

و اگر به دروغ بر می بافت بر ضد ما بعضی سخن ها را؟ (44)

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (45)

البته می گرفتیم ما از او دست راست را. (45)

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (46)

باز البته می بریدیم از او شاه رگ دل را. (46)

فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (47)

پس نیست از شما هیچ کسی از او مانع شده گان. (47)

وَ إِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (48)

و هرآئینه آن است البته پندی برای پرهیزگاران. (48)

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ (49)

و هر آینه ما البته می دانیم آنکه (بعضی) از شما به دروغ نسبت کننده گانید. (49)

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (50)

و هر آینه آن است البته حسرت بر نامعتقدان. (50)

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (51)

و هر آینه آن است البته حقیقت یقینی. (51)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (52)

پس به پاکی یاد کن نام پرور دگار خود را، نهایت بزرگ. (52)